

Transfer of Criminal Trials in European Union Law and Possibility of Its Adoption in Iranian Criminal Law; With a Look at Islamic Jurisprudence

Received: 15/12/2016; Accepted: 13/03/2017

Hassan Poorbafrani¹
Hassan Badri²

Abstract

In the case of crimes committed by foreign nationals, the country where the crime is committed, according to the principle of territorial jurisdiction of criminal law, have the right to a hearing and judgment. But today the transfer of criminal proceedings as one of the new institutions of international criminal law, with regard to its benefits, has been used by many countries. The provisions of the European Union, expressed the formal and substantial conditions and cases and exceptions of transfer of criminal proceedings. According to some verses of the Quran and other sources of Islamic jurisprudence can be argued that in Islam there is no prohibition to accept this institution. Given its optional nature and the fact that the transfer of criminal proceedings is an agreement, at the time of its compilation it is possible to adhere to the religious standards and can be accepted in most crimes even with non-Islamic countries. In this paper, the European Union regulations on the issue of transfer of criminal proceedings and feasibility of accepting it in Iranian criminal law According to the Islamic jurisprudence will be discussed.

Key words: Transfer of criminal trial, European Union law, Iranian law, Islamic jurisprudence.



¹Associate Professor, department of Criminal Law and Criminology, University of Isfahan (Corresponding Author), Email: hpoorbafrani@ase.ui.ac.ir.

²Ph.D. Candidate of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University (Khorasgan Branch).

انتقال دادرسی کیفری در حقوق اتحادیه اروپا و امکان سنجی پذیرش آن در حقوق ایران؛ با نگاهی به مبانی فقهی

تاریخ دریافت ۹۵/۸/۲۵ - تاریخ پذیرش ۹۵/۱۱/۲۵
حسن پورباقرانی^۱
حسن بدری^۲

چکیده

در صورت ارتکاب جرم توسط یکی از اتباع خارجی، کشور محل وقوع جرم مطابق اصل صلاحیت سرزمینی قوانین کیفری، حق رسیدگی و صدور حکم دارد. اما امروزه انتقال دادرسی کیفری به عنوان یکی از نهادهای نوین حقوق جزای بین الملل، با توجه به فوایدی که در جهت پیشبرد اهداف عدالت کیفری دارد، مورد استفاده بسیاری از کشورها قرار گرفته است. در مقررات اتحادیه اروپا، شرایط شکلی و ماهوی و موارد و استثنائات انتقال دادرسی کیفری بیان شده است. از سوی دیگر، با استناد به برخی آیات قرآن کریم و دیگر مبانی فقهی می توان ادعا کرد که در اسلام منعی برای پذیرش این نهاد وجود ندارد و با توجه به اختیاری بودن آن و این که انتقال دادرسی کیفری همانا یک موافقت نامه است، می توان در موقع تدوین آن، موازین شرعی را هم رعایت نمود و می توان این نهاد را در اکثر جرایم حتی با کشورهای غیر اسلامی پذیرفت. این مقاله، به بررسی مقررات اتحادیه اروپا در موضوع انتقال دادرسی کیفری و امکان سنجی پذیرش آن در حقوق کیفری ایران با توجه به مبانی فقهی می پردازد.

واژگان کلیدی: انتقال دادرسی کیفری، حقوق اتحادیه اروپا، حقوق ایران، موازین شرعی.



۱. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) Email: hpoorbafrani@ase.ui.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)



مقدمه

امروزه گسترش و سهولت ارتباطات بین کشورهای مختلف و اصطلاحاً ایجاد دهکده جهانی، موجب ورود و خروج افراد به قلمرو سرزمینی دیگر کشورها شده است و ارتکاب جرم توسط اتباع خارجه نیز غیر قابل اجتناب است. دولت‌ها نیز به استناد اصل صلاحیت سرزمینی قوانین، به جرایم ارتكابی اتباع خارجی رسیدگی و اقدام به صدور حکم و اجرای مجازات می‌نمایند.

اما در سال‌های اخیر با توجه به افزایش همکاری‌های کیفری بین کشورها، پذیرفته شده است که اتباع بیگانه جهت اجرای مجازات حبس، به کشور متبوع خود فرستاده شوند (پوربافرانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۶-۱). مسأله مهم این است که آیا این نوع همکاری‌ها فقط در مرحله اجرای مجازات است و یا این که می‌توان دادرسی کیفری و صدور حکم را نیز به کشور متبوع متهم یا کشور دیگری واگذار نمود؟ «کنوانسیون اروپایی انتقال دادرسی در امور کیفری»^۱ که به موجب بند (۱) ماده (۳۹) آن، امکان الحاق کشورهای غیر اروپایی به این کنوانسیون نیز وجود دارد؛ با در نظر گرفتن فواید انتقال دادرسی، مقرراتی را تدوین نموده است که می‌تواند مورد استفاده سایر کشورها به منظور تدوین قوانین یا قراردادهای دوجانبه قرار گیرد. همچنین در مورد امکان یا عدم امکان پذیرش نهاد انتقال دادرسی در نظام جمهوری اسلامی ایران، هر چند در ظاهر امر با توجه به لزوم انطباق کلیه قوانین با موازین اسلامی (اصل ۴ قانون اساسی) و همچنین با در نظر گرفتن شرایط قضاوت در اسلام (خویی، ۱۳۸۶: ۱۳؛ خمینی، ۱۳۹۲: ۴۰۴؛ نجفی، ۱۳۸۵: ۱۲) هر چند ممکن است این تصور ایجاد شود که امکان انتقال دادرسی به کشورهای دیگر وجود ندارد اما باید گفت انتقال



1. European Convention on the Transfer of Proceedings in Criminal Matters. Strasbourg, 1972.



دادرسی کیفری حتی به کشورهای غیر اسلامی نه تنها با موازین شرعی مغایرتی ندارد بلکه برخی منابع اسلامی بر آن تأکید می‌نمایند.

در این مقاله، با توجه به کنوانسیون اروپایی انتقال دادرسی در امور کیفری مصوب ۱۹۷۲ استراسبورگ، مفهوم انتقال دادرسی، اهداف انتقال دادرسی، موارد و استثنائات انتقال دادرسی، موارد عدم پذیرش انتقال دادرسی و شرایط انتقال دادرسی توصیف و تحلیل می‌شود و با توجه به خلاء قانونی این نهاد در حقوق کیفری ایران و احساس نیاز به بهره‌مندی از فواید این نهاد نوین حقوق جزای بین‌الملل، امکان‌سنجی پذیرش انتقال دادرسی کیفری، از نظر اسلام و حقوق ایران بررسی می‌شود.

۱. کلیات

۱-۱. مفهوم انتقال دادرسی کیفری

در کنوانسیون اروپایی انتقال دادرسی در امور کیفری، انتقال دادرسی کیفری تعریف نشده است و فقط در ماده (۱) "جرم" و "محکومیت" تعریف شده است. جهت شناخت مفهوم انتقال دادرسی کیفری، تعاریف زیر ارائه می‌گردد:

الف - دولت متقاضی: کشوری است که مطابق حقوق داخلی خود صلاحیت رسیدگی به اتهامات اتباع بیگانه را دارد اما از یک کشور دیگر تقاضا می‌نماید که دادرسی و محاکمه متهم را انجام دهد.

ب - دولت طرف تقاضا: کشوری است که از آن تقاضای انجام دادرسی کیفری می‌شود و در صورت موافقت، تحت شرایطی می‌تواند دادرسی را انجام دهد.

ج - انتقال دادرسی کیفری: منظور از انتقال دادرسی کیفری این است که کشوری که دارای صلاحیت قانونی جهت رسیدگی به جرایم ارتكابی توسط اتباع بیگانه است، دادرسی کیفری را به کشور دیگری از جمله کشور متبوع متهم یا کشور محل اقامت وی واگذار نماید.





۲-۱. اهداف انتقال دادرسی

در انتقال دادرسی، اهداف متعددی مد نظر می‌باشد، که از جمله می‌توان به موارد زیر که برخی از آنها در مقدمه کنوانسیون اروپایی انتقال دادرسی در امور کیفری نیز ذکر شده است، اشاره نمود: ۱- اتحاد بیشتر میان کشورهای عضو، ۲- تضمین اجرای عدالت، ۳- تعیین مجازات مؤثر، ۴- ایجاد روحیه اعتماد متقابل در سطح بین‌المللی، ۵- اجتناب از معایب تعارض صلاحیت‌ها، ۵- تسهیل مبارزه علیه بزهکاری در سطح بین‌المللی، ۶- صرفه اقتصادی

۲. انتقال دادرسی کیفری در حقوق اتحادیه اروپا

۲-۱. موارد انتقال دادرسی

انتقال دادرسی کیفری، تنها در موارد مشخص و معینی قابل انجام است. مطابق مقررات کنوانسیون، در هشت مورد امکان انتقال دادرسی وجود دارد. این موارد به موجب ماده (۸) کنوانسیون عبارتند از:

۲-۱-۱. متهم در کشور طرف تقاضا اقامت داشته باشد. (قسمت الف بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون)

در تعریف اقامتگاه، ماده (۱۰۰۲) قانون مدنی ایران بیان می‌دارد: "اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد. اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز امور مهم او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است." انتقال دادرسی به کشور محل اقامت متهم، به عنوان یکی از موارد انتقال دادرسی ذکر شده است؛ بدین معنی که اگر متهم مقیم کشور دیگری باشد، کشور محل وقوع جرم می‌تواند از کشور محل اقامت متهم تقاضای انجام دادرسی بنماید. انجام دادرسی در کشور محل اقامت متهم، هر چند که کشور متبوع وی نباشد را می‌توان در جهت حمایت از حقوق و منافع متهم دانست و باید گفت «در واقع، هر شخصی از نظر حقوقی بستگی به محلی دارد که در آن جا سکونت دارد و خانواده، شغل و منافع او در آن جا یافت می‌شود» (ارفع‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۴۹)؛ زیرا امکان حضور آسان‌تر و سریع‌تر در جلسات



1. Domicile.



دادرسی و فرصت بیشتر دفاع برای متهم را فراهم می آورد و از این رو می توان آن را مفید قلمداد نمود.^۱

۲-۱-۲. متهم تابعیت کشور طرف تقاضا را داشته باشد. (قسمت ب بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون)

تابعیت متهم به عنوان یکی دیگر از موارد انتقال دادرسی ذکر شده است. وقتی شخصی جرمی را در کشوری غیر از کشور متبوع خود مرتکب شود، فرض بر این است که انجام دادرسی در کشور متبوع متهم عادلانه تر خواهد بود؛ زیرا به جهات مختلفی از جمله زبان و فرهنگ مشترک، آشنایی با سیستم حقوقی و قوانین و رویه قضایی کشور خود، شناخت نسبت به وکلای مدافع جهت انتخاب وکیل، سهولت سپردن قرار تأمین - به خصوص در مورد کفالت و وثیقه - و جهات دیگر، انتقال دادرسی به کشور متبوع متهم را می توان توجیه نمود.

۲-۱-۳. متهم در کشور طرف تقاضا در حال گذراندن مجازات سالب آزادی باشد. (قسمت ج بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون)

تحمل مجازات سالب آزادی توسط متهم در کشوری دیگر، یکی از موارد انتقال دادرسی دانسته شده است. در این مورد، رسیدگی به اتهام جدید متهم به کشور صادرکننده حکم قطعی قبلی منتقل خواهد شد؛ زیرا در صورت اثبات جرم جدید و محکومیت نامبرده، مجازاتها تجمیع شده و در یک کشور اجرا می گردد و این موضوع، از بسیاری جهات از جمله رعایت مقررات مربوط به تعدد و تکرار جرم و جمع مجازاتها مفید است.

۲-۱-۴. متهم برای همان جرم یا جرایم دیگر در کشور طرف تقاضا در حال محاکمه باشد. (قسمت د بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون)

بدیهی است وجود دادرسی های متعدد در کشورهای مختلف نسبت به یک نفر، امر مطلوبی نیست؛ بلکه رسیدگی به اتهام های یک نفر در یک دادگاه امری منطقی تر و



۱. در حقوق داخلی ایران نیز به موجب بند الف ماده (۴۱۹) قانون آیین دادرسی کیفری، یکی از عمده موارد احاله پرونده کیفری وقتی است که متهم یا بیشتر متهمان در حوزه دادگاه دیگری اقامت داشته باشند.

2. Nationality.



عادلانه‌تر محسوب می‌شود و شکی نیست که رسیدگی به یک جرم در دو یا چند دادگاه، با اصول دادرسی عادلانه سازگاری ندارد. حتی اگر جرایم ارتكابی، مختلف و محل وقوع آنها نیز کشورهای متعددی باشد انجام دادرسی واحد نسبت به تمام جرایم ارتكابی همانا امری مطلوب‌تر است. از این رو، شایسته است در صورت امکان و از طریق انتقال دادرسی، امکان انجام دادرسی واحد فراهم گردد.^۱

۲-۱-۵. بخش عمده‌ای از دلایل، در کشور طرف تقاضا وجود داشته باشد. (قسمت هـ- بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون)

رسیدن به حقیقت، یکی از مهم‌ترین اهداف دادرسی محسوب می‌شود. کشف حقیقت بر اساس دلایل موجود در پرونده انجام می‌گیرد. هنگامی که جرمی در کشوری واقع شود اما عمده دلایل اثبات جرم در کشور دیگری وجود داشته باشد و از طریق انتقال دادرسی، بهتر و سریع‌تر بتوان به حقیقت دست یافت، طبیعی است که انتقال دادرسی مفید و مؤثر خواهد بود؛ البته اگر این فرایند به نحوی صورت گیرد که از طرق دیگر از جمله اعطای نیابت قضایی، با توجه به مشکلات و شرایط خاص آن نتوان به سهولت و سرعت انتقال دادرسی، به حقیقت نایل شد.

۲-۱-۶. بازاجتماعی کردن شخص محکوم در کشور طرف تقاضا بهتر انجام شود. (قسمت و بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون)

امروزه بازاجتماعی کردن محکومان، یکی از اساسی‌ترین اهداف مجازات‌ها به شمار می‌رود و «هدف نهایی و غایی از اجرای مجازات، دفاع اجتماع، اصلاح و تربیت یا درمان مجرم و عادت دادن او به زندگی عادی اجتماعی است» (دانش، ۱۳۷۶: ۶۵). یکی از فوائد انتقال محکومان به حبس این است که با توجه به داده‌های علم کیفرشناسی جدید و راهبردهای بازپروری مجرمان در زندان، بازاجتماعی کردن محکومان به حبس، در کشور متبوع خودشان معمولاً بهتر انجام می‌گیرد. لذا اگر عقیده بر این باشد که انتقال دادرسی به



۱. در حقوق داخلی ایران نیز انجام دادرسی واحد مورد توجه قانون‌گذار بوده است و در ماده ۳۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری به این موضوع تصریح شده است. ماده ۳۱۳ مقرر می‌نماید: "به اتهامات متعدد متهم باید با رعایت صلاحیت ذاتی، توأمان و یکجا در دادگاهی رسیدگی شود که صلاحیت رسیدگی به جرم مهم‌تر را دارد."



کشوری دیگر و متعاقب آن اجرای محکومیت در آن کشور، جنبه بازا اجتماعی کردن فرد محکوم را بهبود خواهد بخشید بنابراین بهتر است که انتقال دادرسی صورت پذیرد.

۲-۱-۷. انجام دادرسی حضوری در کشور طرف تقاضا تضمین گردد. (قسمت ز بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون)

حضور متهم در دادرسی جهت بیان دفاعیات خود، یکی از حقوق اساسی و اولیه متهم محسوب می گردد و «از جمله مهم ترین حقوق طبیعی انسان که بدون تردید جزء اصول حقوق بشر در دوران معاصر تلقی می شود، حق دفاع است» (نصیری، ۱۳۷۰: ۲۸۳). وانگهی، دادرسی غیابی معمولاً دچار ایرادها و اشکال های عمده است. بنابراین اگر بنا به دلایلی از جمله سکونت و اقامت متهم در کشوری دیگر نتوان حضور وی جهت انجام دادرسی را تضمین نمود اما حضور او در یک کشور دیگر جهت دادرسی تضمین شده باشد، بهتر است جهت جلوگیری از انجام محاکمه غیابی و دوری از معایب آن، انتقال دادرسی را پذیرفت.

۲-۱-۸. اجرای محکومیت در کشور طرف تقاضا تضمین گردد. (قسمت ح بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون)

ثمره و نتیجه محاکمه و صدور حکم، اجرای مجازات است. اگر حکمی صادر شود اما اجرا نشود، دادرسی بی فایده و عبث خواهد بود و می توان گفت عدالت با اجرای مجازات کامل می شود. در مواردی که شخص محکوم در کشور صادر کننده ی حکم حضور ندارد، به استناد معاهدات یا قوانین استرداد مجرمین، امکان بازگرداندن وی به کشور صادر کننده ی حکم جهت اجرای مجازات فراهم می شود. اما در مواردی حتی از طریق استرداد مجرمین امکان بازگرداندن محکومان وجود ندارد؛ از جمله آنجا که شخص محکوم از اتباع کشور طرف تقاضا باشد که در این صورت امکان استرداد اتباع وجود ندارد. زیرا «از قدیم تا به امروز، این قاعده مرسوم در روابط دولت ها وجود داشته که تبعه خود را به دولت دیگر جهت انجام محاکمه مسترد نمی کرده اند. حتی اگر تبعه، جرم را در قلمرو حاکمیت دولت متقاضی استرداد هم انجام داده باشد» (پورباقرانی، ۱۳۹۶: ۲۱۷). حال اگر در صورت دادرسی و صدور حکم، اجرای مجازات حتی از طریق استرداد مجرمان امکان پذیر نباشد، باید جلو انجام این کار عبث و بیهوده را گرفت و اگر کشور طرف تقاضا بپذیرد که





دادرسی را انجام دهد و حکم مجازات صادر و آن را اجرا نماید، باید دادرسی را به آن کشور منتقل نمود.

۲-۲. استثنائات انتقال دادرسی

در مواردی هم امکان انتقال دادرسی وجود ندارد. با توجه به مقررات کنوانسیون اروپایی انتقال دادرسی در امور کیفری و با نظر به مفهوم مخالف (بند ۱ و ۲ ماده ۳۰ کنوانسیون) این استثنائات شامل موارد زیر است: الف) جرایم سیاسی، ب) جرایم نظامی، ج) اقتضای مصلحت.

استثناء نمودن جرایم دارای ماهیت سیاسی و جرایم صرفاً نظامی از شمول انتقال دادرسی، چنانچه با در نظر گرفتن منافع متهم و در جهت حمایت از وی باشد، کاملاً صحیح و منطقی به نظر می‌رسد؛ زیرا در مورد جرایم سیاسی و نظامی در اکثر کشورها، اصل بر حمایت از متهمان این گونه جرایم است؛ زیرا «تخفیف‌ها و مساعدت‌هایی برای این قبیل مجرمان، از قبیل عدم اجبار آنها به کار در زندان و یا پوشیدن لباس مخصوص زندانیان، عدم امکان استرداد آنها به کشورهای متقاضی استرداد، لزوم رسیدگی به جرایم آنها توسط هیأت منصفه، رفع محدودیت در اعطای عفو به آنان، عدم اجرای مقررات راجع به تکرار جرم در مورد آنها، اعاده حیثیت سریع‌تر نسبت به مجرمان عادی، و نظایر آنها در قوانین موضوعه پیش‌بینی شده است» (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۰: ۶۶). اما در مورد استثناء نمودن مواردی که مصلحت اقتضاء کند، از شمول انتقال دادرسی باید گفت که این قسمت از مقررات کنوانسیون با توجه به کلی و مبهم بودن آن قابل توجیه نیست و برای

۱. در این ماده آمده است: "۱- هر دولت طرف قرارداد که قبل از اقامه دادرسی یا در جریان دادرسی در مورد جرمی که دارای ماهیت سیاسی و یا صرفاً نظامی نباشد، از دادرسی‌های مطروحه در دیگر دولت‌های طرف قرارداد نسبت به همان شخص و در خصوص همان جرایم آگاه باشد، باید از رسیدگی صرف‌نظر نماید و یا آن را به تعویق بیاورد و یا این که شخص مظنون را به آن کشور منتقل نماید. ۲- اگر فرض شود در شرایطی مصلحت است که از دادرسی صرف نظر نشود یا به تعویق نیافتد، باید در زمان مناسب و در هر مورد قبل از صدور حکم به دولت دیگر اطلاع داده شود."





کشورهای عضو این امکان را ایجاد می‌کند که از انتقال دادرسی، حتی با وجود سایر شرایط مقرر در کنوانسیون خودداری نمایند.

۲-۳. موارد عدم پذیرش انتقال دادرسی

۲-۳-۱. موارد الزامی

کشوری که جرمی توسط اتباع خارجه در قلمرو سرزمینی‌اش ارتکاب یافته است و یا به موجب هر کدام از اصول صلاحیتی حق رسیدگی دارد، هیچ الزامی به ارائه تقاضای انتقال دادرسی به کشور دیگر ندارد و طبعاً می‌تواند صلاحیت خود را اعمال نماید و دادرسی را انجام دهد. اما در صورت تقاضای انتقال دادرسی به کشور دیگر، پذیرش یا عدم پذیرش انتقال دادرسی توسط دولت طرف تقاضا، امری اختیاری است، که این موضوع تحت عنوان قاعده اقتضای تعقیب شناخته می‌شود که «به طور کلی، حقوق کیفری اروپایی نظام اقتضای تعقیب را پذیرفته است.» (آشوری، ۱۳۸۶: ۸۷)

اما در برخی موارد، برای دولت طرف تقاضا امکان دادرسی کیفری وجود ندارد و حتی با وجود تقاضای دادرسی نباید دادرسی و محاکمه را انجام دهد. ماده (۱۰) کنوانسیون، موارد الزامی عدم پذیرش انتقال دادرسی را بیان می‌کند، که عبارتند از: ۱- عدم رعایت شرایط مقرر در کنوانسیون (بند الف ماده ۱۰ ناظر بر پاراگراف ۱ ماده ۶ کنوانسیون)، ۲- جرم نبودن اتهام وارده در کشور طرف تقاضا (بند الف ماده ۱۰ ناظر بر پاراگراف ۱ ماده ۷ کنوانسیون)، ۳- عدم رعایت قاعده اعتبار امر مختومه (بند ب ماده ۱۰ ناظر بر ماده ۳۵ کنوانسیون)، ۴- مرور زمان (بند ج ماده ۱۰ کنوانسیون).^۲

۱. ماده (۳۵) کنوانسیون در این خصوص مقرر کرده است: "شخصی که در مورد او حکم مجازات قطعی و لازم‌الاجرا صادر شده است ممکن نیست در دیگر دولت طرف قرارداد برای همان عمل مورد تعقیب یا محاکمه و یا در معرض اجرای مجازات قرار گیرد: الف) اگر تبرئه شده باشد. ب) اگر مجازات صادره: ۱- به طور کامل اجرا شده باشد یا در حال اجرا باشد. ۲- تمام مجازات یا قسمتی از آن که اجرا نشده است مورد عفو خصوصی یا عفو عمومی قرار گرفته باشد. ۳- به دلیل مرور زمان دیگر قابل اجرا نباشد. ج) اگر دادگاه مرتکب را مقصر بدانند بدون این که مجازاتی منظور نماید."

۲. در قوانین کیفری سه نوع مرور زمان به شرح زیر وجود دارد: مرور زمان شکایت، مرور زمان تعقیب و مرور زمان مجازات. جهت آشنایی با مقررات قانونی مربوط به مرور زمان به مواد (۱۰۵ الی ۱۱۳) قانون مجازات اسلامی





۲-۳-۲. موارد اختیاری

در غیر از موارد الزامی، اصل بر این است که دولت طرف تقاضا بایستی تقاضای دادرسی را بپذیرد و دادرسی را انجام دهد. اما در برخی موارد دولت طرف تقاضا می‌تواند از پذیرش تقاضای دادرسی خودداری نماید. به عبارتی دیگر، در این موارد پذیرش یا عدم پذیرش تقاضای دادرسی کاملاً اختیاری است. مطابق ماده (۱۱) کنوانسیون دولت طرف تقاضا نمی‌تواند از قبول تمام یا بخشی از تقاضا خودداری نماید، مگر در یک یا چند مورد از موارد ذیل:

- الف) اگر عقیده بر این باشد که به موجب ماده ۸ دلایل مستند تقاضا موجه نیست.
- ب) اگر متهم معمولاً مقیم دولت طرف تقاضا نباشد.
- ج) اگر متهم از اتباع دولت طرف تقاضا نباشد و در زمان ارتکاب جرم در قلمرو آن کشور مقیم نباشد.
- د) اگر عقیده بر این باشد که جرمی که برای آن تقاضای انتقال دادرسی شده است یکی از جرایم ماهیتاً سیاسی یا صرفاً نظامی یا مالی است.
- ه) اگر عقیده بر این باشد که بنا به دلایل قوی تقاضای دادرسی به خاطر شرایط قومی، مذهبی، ملی یا عقاید سیاسی صورت پذیرفته است.
- و) اگر عقیده بر این باشد که قبلاً نسبت به جرم، قانون اجرا شده است و یا در زمان دریافت تقاضای دادرسی مشمول مرور زمان شده است.
- ز) اگر به دلیل مرور زمان، دادرسی متوقف شده باشد و به موجب ماده (۲۳) محدودیت زمانی ۶ ماهه در هنگام انتقال دادرسی منقضی شده باشد.
- ح) اگر جرم خارج از قلمرو سرزمینی دولت متقاضی ارتکاب یافته باشد.
- ط) اگر دادرسی مغایر با تعهدات بین‌المللی دولت طرف تقاضا باشد.
- ی) اگر دادرسی مغایر با اصول کلی سیستم حقوقی دولت طرف تقاضا باشد.

مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ مراجعه شود. در این قسمت از مقررات کنوانسیون، مرور زمان تعقیب مد نظر می‌باشد و ملاک محاسبه مرور زمان، از زمان وقوع جرم تا هنگام تقاضای انتقال دادرسی است.





ک) اگر دولت متقاضی از قواعد دادرسی مقرر شده در این کنوانسیون تخطی کند. البته موارد رد درخواست از سوی دولت طرف تقاضا (به شرح مندرج در ماده ۱۱ کنوانسیون ۱۹۷۲) در توافق نامه ۶ نوامبر ۱۹۹۰ شنگن فقط نسبت به دولت‌هایی که این کنوانسیون را پذیرفته‌اند، از بین رفته است. در واقع، در کشورهای اروپایی شنگن که خیلی کوچک‌تر از اتحادیه اروپاست و بر اساس اعتماد متقابل، پایه‌ریزی شده است، قابل قبول نیست که دولتی بتواند درخواست تعقیب جرمی را که از سوی یک دولت اروپایی دیگر ارائه شده، رد کند. (آشوری، ۱۳۸۶: ۸۴)

۲-۴. شرایط انتقال دادرسی

۲-۴-۱. صلاحیت رسیدگی

به موجب (بند ۱ ماده ۲ و ماده ۵ کنوانسیون)، به منظور انتقال دادرسی، لازم است هم کشور متقاضی و هم کشور طرف تقاضا به موجب حقوق داخلی خود صلاحیت قانونی لازم برای دادرسی را داشته باشند و بدیهی است که انجام دادرسی، توسط کشوری که تحت هیچ کدام از اصول صلاحیتی حق رسیدگی ندارد، امکان‌پذیر نخواهد بود.

۲-۴-۲. رعایت قاعده مجرمیت متقابل

بند (۱) ماده (۷) کنوانسیون، به لزوم رعایت قاعده مجرمیت متقابل اشاره می‌کند. مجرمیت متقابل یا مجرمیت مضاعف بدین معنی است که عمل ارتكابی متهم، در هر دو کشور، متصف به وصف مجرمانه و قابل مجازات باشد. البته وحدت عنوان مجرمانه در هر دو کشور ضروری نیست. حتی اگر عملی در یک کشور به عنوان جرم جزایی قابل مجازات باشد و در کشور دیگر صرفاً جرمی اداری محسوب گردد، شرط جرم‌انگاری متقابل تأمین شده است.



1. Convention implementing the Schengen Agreement (CISA).

۲. منظور از جرم اداری جرمی است که توسط مرجعی غیر از شعب دادگاه بلکه توسط مرجعی اداری و نه قضایی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و معمولاً مجازات صادره نیز حداکثر در حد جزای نقدی است؛ شبیه جرایم راهنمایی و رانندگی یا تعزیرات حکومتی در حقوق ایران.



۲-۴-۳. رعایت قاعده منع محاکمه مجدد

بند (۱) ماده (۳۵) و ماده (۳۷) کنوانسیون، به لزوم رعایت این قاعده تصریح می‌کند. قاعده منع محاکمه مجدد که نتیجه قاعده اعتبار امر مختومه است، تقریباً به عنوان یکی از قواعد مورد قبول تمامی سیستم‌های کیفری محسوب می‌شود.^۱

۳. امکان‌سنجی پذیرش انتقال دادرسی در اسلام و حقوق ایران

۳-۱. امکان‌سنجی پذیرش انتقال دادرسی در اسلام

اسلام تنها به مسایل فردی و عبادی توجه ندارد، بلکه به تمامی ابعاد زندگی بشری، از جمله مسائل اجتماعی و سیاست خارجی و روابط بین‌المللی نیز توجه و التفات خاصی دارد. دین اسلام تمامی مسلمانان از هر نژاد و زبان و قوم و ملیت و تابعیت که باشند را برادر و امت واحد می‌داند. اسلام به رابطه کشورهای مسلمان با ملت‌ها و کشورهای غیر مسلمان نیز نظر دارد و روابط مسالمت‌آمیز با جهان خارج و حتی با غیر مسلمانان را تشویق می‌کند؛ از جمله این که قرآن می‌فرماید: «عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ * لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَكَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ».^۳

۱. در قانون آیین دادرسی کیفری ایران به موجب (بند چ ماده ۱۳) اعتبار امر مختوم به عنوان یکی از موارد موقوفی تعقیب و اجرای مجازات ذکر شده است.

۲. قرآن کریم در مورد روابط بین کشورهای اسلامی می‌فرماید: «انما المومنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم و اتقوا الله لعلکم ترحمون: به حقیقت، مؤمنان همه برادر یکدیگرند؛ پس همیشه بین برادران خود صلح دهید و خداترس و پرهیزکار باشید؛ باشد که مورد لطف و رحمت الهی واقع گردید.»

۳. آیات ۷ و ۸ سوره ممتحنه: «امید است که خدا دوستی میان شما و دشمنانتان برقرار گرداند و خدا بر هر کار قادر و بر خلق آمرزنده و مهربان است. خدا شما را از دوستی آنان که با شما در دین، قتال و دشمنی نکرده و شما را از دیارتان بیرون نمودند نهی نمی‌کند تا بیزاری از آنها بجوید؛ بلکه با آنها به عدالت و انصاف رفتار کنید که خدا مردم با عدل و داد را بسیار دوست می‌دارد.»



۳-۱-۱. بررسی انتقال دادرسی از منظر قرآن

قرآن کریم در مورد قضاوت درباره غیرمسلمانان اهل کتاب می‌فرماید: «فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرَضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرَضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»^۱

با توجه به این که دین اسلام تمامی کشورهای اسلامی را امت واحد معرفی می‌کند، انتقال دادرسی از یک کشور اسلامی به کشور اسلامی دیگر مانعی ندارد. اما در مورد غیر مسلمانان، مطابق دستور این آیه، پیامبر اکرم (ص) مخیر است که به دعاوی اهل کتاب رسیدگی نماید و یا از رسیدگی خودداری کند. «از ظاهر این آیه برمی‌آید که یهودیان برای داوری نزد پیغمبر (ص) آمده‌اند و پیغمبر در قبول یا رد داوری مختار است» (حسینی - نژاد، ۱۳۸۳: ۲۲). این تخییر پس از پیامبر (ص) برای ائمه اطهار، و بعد از ایشان برای قضات مسلمان همچنان وجود دارد. (طوسی، بی‌تا: ۵۲۴)

از این آیه شریفه، تخییر در صدور حکم و یا ارجاع به محاکم ملت خود استفاده می‌شود و همین اختیار برای ائمه اطهار و سایر حکام اسلامی به دلیل تأسی و متابعت از رسول اکرم ثابت می‌شود و ادعای این که آیه تخییر، جزء آیات منسوخه است درست نیست. بنابراین قاضی در انجام قضاء یا عدم آن، بین اهل کتاب مخیر است (خوئی، بی‌تا: ۳۶۰). در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است: هر گاه اهل تورات و انجیل به دادگاه اسلام رجوع کنند، اختیار با اوست؛ اگر خواست حاکم میان آنها باشد و اگر هم نخواست آنها را ترک گوید. (حر عاملی، ۱۴۰۵: ۲۱۸)

«البتة منظور این نیست که پیغمبر (ص) تمایلات شخصی خود را در انتخاب یکی از این دو راه دخالت دهد؛ بلکه منظور این است شرایط و اوضاع را در نظر بگیرد؛ اگر مصلحت بود دخالت و حکم کند و اگر مصلحت نبود صرف نظر نماید. حکومت اسلامی هم اکنون نیز درباره غیر مسلمانان این اختیار را دارد که شرایط و اوضاع را در نظر گرفته، چنانچه مصلحت ببیند طبق احکام اسلام درباره آنها رفتار کند و یا آنها را به قوانین خودشان رها سازد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۳۸۶)

۱. آیه ۴۲ سوره مائده، ترجمه: «اگر به نزد تو آمدند خواهی میان آنها حکم کن یا روی از آنان بگردان و چنانچه روی از آنها بگردانی هرگز کوچکترین زیان به تو نتواند رسانید و اگر حکم کردی میان آنها به عدالت حکم کن؛ که خدا دوست می‌دارد آنان را که حکم به عدل می‌کنند.»





بنابراین با توجه به آیه ۴۲ سوره مائده و تفاسیر بیان شده می‌توان ادعا نمود که طبق دستور این آیه شریفه، در حقوق اسلام انتقال دادرسی کیفری تجویز شده است و در مورد غیر مسلمانان، اهل کتاب که در یک کشور اسلامی مرتکب جرمی شوند، برای دادگاه‌های کشورهای اسلامی این امکان و اختیار وجود دارد که به جرم آنان رسیدگی و اقدام به صدور حکم و اجرای مجازات نمایند؛ و یا این که دادرسی کیفری را به دادگاه‌های صالح دیگر، از جمله محاکم کشور متبوع آنان، منتقل نمایند؛ حتی اگر جرم ارتكابی از نوع حدود باشد. زیرا در بیان شأن نزول این آیه، تمامی مفسران، آن را در مورد زن و مرد یهودی دانسته‌اند که مرتکب زنا می‌شده بودند.^۱

همچنین هیچ یک از مفسران، حکم تخیر در مورد رسیدگی یا اعراض از رسیدگی به جرایم ارتكابی اهل کتاب توسط محاکم اسلامی را به یک نوع جرم خاص منحصر ننموده‌اند. وانگهی، حتی خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: «وَكَيْفَ يُحْكَمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ». «هم چنین می‌فرماید: «وَلَيْحُكْمُ أَهْلِ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۲ با وجود این که حکم آیه ۴۲ سوره مائده مبنی بر اختیار قاضی مسلمان در رسیدگی یا اعراض از رسیدگی به جرایم اهل کتاب می‌باشد، اما از آیات (۴۳) و (۴۷) این سوره حتی ترجیح بر اعراض از رسیدگی استنباط می‌شود. به دیگر سخن، می‌توان گفت قرآن کریم نه تنها زمینه انتقال دادرسی کیفری را فراهم نموده است، بلکه حتی استفاده از این نهاد را توصیه نموده است.

۱. درباره شأن نزول این آیه روایت شده است که زن و مرد یهودی که از اشراف یهود بودند مرتکب زنا می‌شده بودند. یهودیان به جهت این که این دو نفر از مجازات رجم رهایی یابند آن دو را نزد پیامبر اکرم (ص) آوردند تا شاید مجازات سبک‌تری برای ایشان در نظر بگیرند. در نهایت پیامبر اکرم (ص) پس از مشورت با ابن‌سوری که از دانشمندان یهود بود، حد اسلامی رجم را که در تورات نیز وجود داشت در مورد آنها اجرا فرمود.

۲. آیه ۴۳ سوره مائده، ترجمه: «و چگونه آنها به حکم تو سر فرود آرند در صورتی که تورات نزد آنهاست و در آن حکم خدا مذکور است و از آن روی گردانیده‌اند. پس چنانچه تو نیز پس از تورات حکمی کنی بدان راضی نشوند؛ چه آن که، اینان به خدا ایمان نیاورده‌اند.»

۳. آیه ۴۷ سوره مائده: «و اهل انجیل باید بر آنچه خدا در آن کتاب فرستاده حکم کنند و هر کس بر خلاف آن چه خدا فرستاده حکم کند چنین کس از فاسقان خواهد بود.»





اما آیا لازم است محاکم کشورهای اهل کتاب به احکام دین خود عمل کنند یا خیر؟
 «در پاسخ باید گفت که در این جا دو احتمال است: ۱- جواز رجوع به دلیل اطلاق ادله
 ارجاع، ۲- عدم ارجاع، زیرا که دلیل ارجاع منصر به موردی است که آنان به موازین دین
 خود عامل باشند.» (اصغری، ۱۳۷۲: ۴۸)

با توجه به این که آیه ۴۲ سوره مائده، به طور مطلق و بدون قید و شرط، ارجاع اهل
 کتاب به محاکم خود را بیان کرده است، و در جای دیگری از قرآن و یا روایات معتبر نیز
 این حکم هرگز مقید یا مشروط نشده است، و نیز این که چنین ادعایی که ارجاع منصرف
 به موردی است که آنان به موازین دین خود عامل باشند نیاز به تصریح دارد؛ در حالی که
 چنین تصریحی در قرآن کریم وجود ندارد. بنابراین پذیرش احتمال اول، با حکم آیه (۴۲)
 سوره مائده سازگارتر است.

۳-۱-۲. بررسی انتقال دادرسی از منظر سنت پیامبر (ص)

به عنوان نمونه‌ای از انتقال دادرسی کفیری در زمان پیامبر اکرم (ص)، می‌توان از قضیه
 بنی قریظه نام برد که پس از شکست قبیله پیمان‌شکن یهودی بنی قریظه به دست لشکر
 اسلام، عده‌ای از قبیله اوس که در دوران جاهلیت هم‌پیمان بنی قریظه بودند نزد پیامبر
 واسطه شده و از ایشان درخواست کردند با قبیله بنی قریظه بمانند سایر یهودیانی که پیش از
 آن با پیامبر جنگیده بودند رفتار کرده و به آنان اجازه دهند تا شهر را ترک کرده و اموال و
 دارایی خویش را با خود ببرند، یا این که پیامبر حداقل تخفیفی در مجازات آنان قائل
 شوند. رسول اکرم (ص) که سخت از خیانت ایشان آزرده بود فرمودند آیا حاضرید مردی
 از شما در مورد خودتان داوری کند؟ گفتند بلی. پیامبر سعد ابن معاذ را پیشنهاد کرد و
 آنان نیز پذیرفتند. سعد پس از آن که توافق طرفین مبنی بر التزام به اجرای حکم داوری را
 اخذ نمود، نظر داد که مردان بنی قریظه را که مستقیماً در جنگ شرکت داشتند کشته شوند،
 و زنان و کودکان اسیر و اموال ایشان میان لشکریان اسلام تقسیم شود. پیامبر پس از شنیدن
 نظر سعد فرمود: تو درباره ایشان حکمی کردی که خداوند و پیغمبر حکم می‌کند.
 (حسینی، بی تا: ۳۲۱)

انتقال دادرسی کفیری در صورت اقرار و امانت‌نمایی در حقوق ایران با معاصی بنی قریظه



۱. سعد ابن معاذ، رئیس قبیله اوس بود و در جریان پیمان‌شکنی بنی قریظه و پس از شکست وی از سربازان اسلام، به
 عنوان حکم انتخاب شد و پس از بیعت عقبه اول، در مدینه اسلام آورد و از اصحاب پیامبر اکرم (ص) گردید.



صرف نظر از مفاد این حکم، آنچه در این قضیه اهمیت دارد این است که پیامبر (ص) با وجود این که خود صلاحیت رسیدگی و صدور حکم را داشتند، ولی دادرسی کیفری و صدور حکم را به یک یهودی منتقل نمودند. از این رو، این قضیه را باید یکی از نمونه های انتقال دادرسی کیفری در صدر اسلام برشمرد.

۳-۱-۳. بررسی انتقال دادرسی از منظر عقلی

با توجه به ملازمه بین حکم عقل و حکم شرع در اصول فقه امامیه و این که اگر عقل به حسن یا قبح امری حکم نمود، عقلاً لازم است که شرع نیز حکمی مطابق عقل داشته باشد و از سوی دیگر، اعتبار دینی عقل موجب شده است تا عقل به عنوان حجتی الهی در دامنه ادراک و معرفت دینی از جایگاه معتبر و محترمی برخوردار باشد؛ همچنان که بسیاری از اصولیون شیعه نیز عقل را به عنوان یکی از منابع تفقه در دین پذیرفته‌اند و به استناد آیات و روایات، عقل را از ارکان استنباط احکام شرعی دانسته‌اند.

نهاد انتقال دادرسی کیفری که در حقوق اتحادیه اروپا نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد و اهداف و فواید آن ذکر گردید، نهادی است که به لحاظ عقلی همانا مفید، مؤثر و راهگشاست و بسیاری از مشکلات مربوط به محاکمه متهمان و مجازات مجرمان اتباع بیگانه را برطرف می‌کند. بنابراین باید گفت استفاده از این نهاد در سیستم حقوقی کشورمان نه تنها منافاتی با احکام و موازین شرعی ندارد، بلکه با آنها ملازمه عقلی هم دارد.

۳-۱-۴. بررسی انتقال دادرسی از منظر قواعد فقهی

قاعده مقابله به مثل در تنظیم روابط میان دولت اسلامی با دولت‌های دیگر و بیان خط-مشی حکومت اسلامی در سیاست خارجی نقش چشمگیری دارد و یکی از قواعد عمده و رایج در حقوق بین‌الملل اسلامی است (اسکندری، ۱۳۷۹: ۳۶). همچنین باید گفت قاعده مقابله به مثل، یک قاعده فطری محسوب می‌شود.^۲



۱. ما حکم به العقل حکم به الشرع و ما حکم به الشرع حکم به العقل.

۲. آن جا که می‌فرماید: «هل جزاء الإحسان إلا الإحسان» (الرحمن: ۶۰)



با در نظر گرفتن قاعده مقابله به مثل^۱ در حقوق بین الملل اسلامی می توان از نهاد انتقال دادرسی کیفری با سایر کشورها، مشروط به تحقق شرط عمل متقابل، استفاده نمود. از این رو، چنانچه اتباع ایرانی یا افرادی که در ایران اقامت دارند، در کشور خارجی مرتکب جرمی شوند و برای کشور محل وقوع جرم با توجه به مقررات کیفری آن کشور، امکان عدم اعمال اصل صلاحیت سرزمینی و انتقال دادرسی وجود داشته باشد و در نتیجه، آن کشور اقدام به انتقال دادرسی کیفری به ایران ننماید، با توجه به قاعده رفتار متقابل، ایرادی ندارد و منطقی است که بپذیریم جمهوری اسلامی ایران نیز رسیدگی به جرایم ارتكابی اتباع یا مقیمان آن کشور در ایران را به کشور متبوع یا کشور محل اقامت آنان منتقل نماید. به نظر می رسد قاعده اساسی حاکم بر قرارداد، همان قاعده نفی سبیل است. «وَكُنْ يَجْعَلُ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا: هرگز خداوند برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط را باز نگذاشته و باز نخواهد نمود.»^۲ منظور از قاعده نفی سبیل این است که خداوند حکمی را که موجب تسلط و نفوذ کافران بر مسلمانان گردد، جعل نفرموده است. در مسأله قرارداد، بدیهی است که نفس قرارداد، موجب جعل سلطه بر مسلمانان نیست. حتی ممکن است قراردادی منعقد شود که موجب جعل سلطه مسلمانان بر کافران باشد. این قرارداد، بی تردید مشمول نهی آیه مذکور نیست. (شریعت باقری، ۱۳۹۳: ۶۷)

انتقال دادرسی کیفری می تواند در راستای اجرای قاعده نفی سبیل و نیز در راستای حمایت از اتباع صورت گیرد؛ زیرا در صورت پذیرش و انعقاد قرارداد انتقال دادرسی کیفری بین جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها، نتیجه این می شود که در صورت ارتكاب جرم توسط اتباع ایرانی (که اکثر قریب به اتفاق آنها مسلمان هستند) در یک کشور خارجی (که اکثر کشورهای خارجی غیر مسلمان هستند) اتباع ایرانی جهت محاکمه و صدور حکم به ایران باز می گردند و از این رو، اجرای این قاعده، مانع محاکمه یک مسلمان توسط یک کشور غیر مسلمان می شود و این مطابق با قاعده نفی سبیل است و موجب خروج مسلمان از سلطه غیر مسلمان می گردد.



۱. در خصوص این قاعده، بعضی از فقهای بزرگ به آیه «فمن اعتدى عليكم فاعتدوا بمثل ما اعتدى عليكم» و دیگر آیاتی که جزء عمده ترین ادله مشروعیت قاعده مقابله به مثل است، بر اعتبار آن استدلال کرده اند.

۲. النساء: ۱۴۱



در مقابل، در صورت ارتکاب جرم توسط یکی از اتباع خارجی در ایران، حتی در فرضی که مرتکب جرم غیر مسلمان باشد، با توجه به اختیاری بودن انتقال دادرسی کیفری، کشور ایران هیچ الزامی به ارائه تقاضای انتقال دادرسی به کشور دیگر ندارد و می‌تواند صلاحیت خود را اعمال نماید و دادرسی را انجام دهد و سلطه خود بر غیر مسلمان را از دست ندهد.

بنابراین در اسلام و منابع احکام اسلامی و قواعد فقهی، در مسیر پذیرش نهاد انتقال دادرسی کیفری و پیوستن به کنوانسیون مربوطه و یا انعقاد معاهدات انتقال دادرسی کیفری با سایر کشورها و یا تصویب قوانین مبنی بر انتقال دادرسی کیفری مشروط به عمل متقابل، هیچ مانع شرعی وجود ندارد و این امر حتی مورد قبول و تأیید اسلام می‌باشد. همچنین با توجه اهداف و اصول انسان دوستانه و حقوق بشری و با رعایت عدالت و انصاف - که در انتقال دادرسی مورد توجه است - می‌توان نهاد انتقال دادرسی کیفری را موضوعی اخلاقی و مطابق با آموزه‌های اسلامی دانست.

۳-۲. امکان سنجی پذیرش انتقال دادرسی در حقوق ایران

همان‌طور که قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران، اتباع بیگانه را از حیث احوال شخصیه، مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود و نه قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران دانسته است؛^۱ در برخی امور کیفری و حداقل در تعزیرات، با توجه به مصالح و فواید متصوره، می‌توان به شرط عمل متقابل، اتباع خارجه را مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود دانست.

در هیچ‌یک از مقررات قانون مجازات اسلامی اشاره‌ای به موضوع انتقال دادرسی کیفری به کشورهای دیگر نشده است. البته باید دانست که پذیرش و اعتباربخشیدن به احکام کیفری خارجی، به معنی پذیرفتن دادرسی کیفری و سیر محاکمات صورت گرفته

۱. در ماده (۶) کنوانسیون تصریح شده است: "هنگامی که شخص به موجب قانون کشور طرف قرارداد، متهم به ارتکاب جرم است، این کشور می‌تواند از کشور دیگر طرف قرارداد تقاضا نماید که در موارد مذکور در این کنوانسیون و با شرایط مقرر رسیدگی نماید."

۲. ماده (۷) قانون مدنی بیان می‌کند: "اتباع خارجه مقیم در خاک ایران از حیث مسائل مربوطه به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه در حدود معاهدات مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود."





در آن کشور خارجی نیز هست. در مورد اعتبار دادرسی کیفری و احکام کیفری کشورهای خارجی در حقوق کیفری ایران، به موادی از قانون مجازات اسلامی در زیر اشاره می‌شود:

۱- استثنای ذکر شده در انتهای ماده (۳) قانون مجازات اسلامی قابل تأمل است. در این زمینه، در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۷۹-۱۳۸۱/۳/۱۶ اداره حقوقی قوه قضائیه آمده است: "با توجه به ماده ۳ قانون مجازات اسلامی، چنانچه مرتکب در خارج از کشور ایران مرتکب جرائمی شده و طبق قوانین کشور محل وقوع جرم محاکمه و حکم صادره نیز در مورد وی اجرا شده باشد، تعقیب مجدد وی در ایران به همان اتهام، خلاف اصول کلی دادرسی کیفری می‌باشد؛ مگر در مواردی که در قوانین موضوعه خلاف آن تصریح شده باشد." مستفاد از این نظریه مشورتی، اصل بر اعتبار احکام کیفری خارجی است، مگر این که خلاف آن در قانون تصریح شده باشد.

۲- در ماده (۵) قانون مجازات اسلامی که اصل صلاحیت واقعی را مقرر نموده، محاسبه‌ی محکومیت اجراشده‌ی قبلی که توسط دادگاه خارجی صادر شده است به معنی پذیرش اعتبار دادرسی کیفری و احکام کیفری صادره و مجازات‌های اجراشده در کشور خارجی است. مطابق این ماده، به طور مثال، چنانچه شخصی در فرانسه اقدام به جعل اسکناس رایج ایران نماید و در آن جا محاکمه و به دو سال حبس محکوم و مجازات نیز اجرا گردد و سپس در ایران محاکمه و به موجب بند (ث) ماده (۵) و ماده (۵۲۵) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) به پنج سال حبس محکوم گردد، در مرحله اجرای حکم، محکومیت قبلی محاسبه و فقط سه سال حبس اجرا می‌گردد.

۱. در ماده (۳) قانون مجازات اسلامی بیان شده است: "قوانین جزائی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود، مگر آن که به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد."

۲. در ماده (۵) قانون مجازات اسلامی مقرر شده است: "هر شخص ایرانی یا غیر ایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم زیر یا جرائم مقرر در قوانین خاص گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود و هر گاه رسیدگی به این جرائم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری، میزان محکومیت اجراشده را محاسبه می‌کند..."





۳- مطابق بند (ب) ماده (۷) قانون مجازات اسلامی که مربوط به اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجرم می‌باشد، حکم کشور خارجی اعم از این که مبنی بر بی‌گناهی یا محکومیت باشد، دارای اعتبار دانسته می‌شود و یکی از شرایط محاکمه و مجازات اتباع ایرانی که در خارج از کشور مرتکب جرم شده‌اند همانا عدم محاکمه آنها در کشور محل وقوع جرم است.

۴- مطابق بند (الف) ماده (۸) قانون مجازات اسلامی در مورد اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه، حکم کشور خارجی اعم از این که مبنی بر بی‌گناهی یا محکومیت باشد دارای اعتبار است و یکی از شرایط محاکمه و مجازات اشخاص غیر ایرانی در ایران، که در خارج از کشور مرتکب جرمی علیه شخص ایرانی یا علیه کشور ایران شده‌اند، عدم محاکمه آنها در کشور محل وقوع جرم است.

پرواضح است که قانون مجازات اسلامی در برخی موارد و تأکیداً در جرایم موجب تعزیر، به احکام کیفری خارجی اعم از احکام صادره توسط کشورهای اسلامی و غیر اسلامی اعتبار داده است و بدیهی است که پذیرش احکام خارجی به منزله پذیرش دادرسی نیز می‌باشد. بنابراین زمینه پذیرش انتقال دادرسی کیفری در کشور جمهوری اسلامی ایران نیز وجود دارد و حداقل در جرایم موجب تعزیر با تمامی کشورها امکان تنظیم قرارداد انتقال دادرسی وجود دارد. با توجه به مستندات فقهی که در این خصوص بیان شد، در

۱. ماده (۷) قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است: "علاوه بر موارد مذکور در مواد قبل، هر یک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود، در صورتی که در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود؛ مشروط بر این که: الف- رفتار ارتكابی به موجب قانون جمهوری اسلامی جرم باشد. ب- در صورتی که جرم ارتكابی از جرائم موجب تعزیر باشد، متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد. ج- طبق قوانین ایران موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد."

۲. ماده (۸) قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: "هرگاه شخص غیر ایرانی در خارج از ایران علیه شخص ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز جرائم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود، مشروط بر این که: الف- متهم در جرائم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد. ب- رفتار ارتكابی در جرائم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد."





مورد جرایم غیر تعزیری نیز مانع شرعی جهت پذیرش انتقال دادرسی حتی به کشورهای غیر اسلامی وجود ندارد. البته بدون تردید، با کشورهایی که سیستم حقوقی آنها برگرفته از احکام قرآن و اسلام است، امکان تنظیم قرارداد انتقال دادرسی در تمامی جرایم وجود دارد. پس می‌توان این نهاد نوین حقوق جزای بین‌الملل را وارد سیستم حقوقی کشور جمهوری اسلامی ایران نمود و از فواید این نهاد استفاده مطلوب کرد و شورای محترم نگهبان نیز با توجه به تأیید قانون مجازات اسلامی و به طور خاص، تأیید مواد فوق‌الذکر که متضمن اعتباربخشیدن به احکام کیفری خارجی و دادرسی‌های کیفری خارجی می‌باشد و در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۳۰ این قانون را تأیید نموده و محتوای آن را خلاف شرع تشخیص نداده است، می‌تواند در صورت تنظیم مقررات مربوط به انتقال دادرسی کیفری، آنها را نیز تأیید کند.

نتیجه‌گیری

انتقال دادرسی در امور کیفری در سطح بین‌المللی، نتایج و فواید و آثار مثبت فراوانی دارد و گامی در راستای تضمین اهداف دادرسی عادلانه محسوب می‌شود؛ از جمله این که موجب تسهیل انجام دادرسی و تسریع در رسیدگی می‌شود و در راستای حمایت هرچه بیشتر از حقوق متهمان می‌باشد و باعث ایجاد دادرسی کیفری واحد و اجرای دقیق مقررات مربوط به تعدد و تکرار جرم می‌شود؛ همچنان که از صدور محکومیت‌های متعدد علیه متهم نیز پیشگیری می‌کند و علاوه بر صرفه اقتصادی، موجب تضمین بیشتر اجرای عدالت نسبت به مجرمان می‌گردد.

بنابراین پیشنهاد می‌شود همان‌طور که در حقوق داخلی موضوع احاله پرونده کیفری از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی دیگر پیش‌بینی شده است، در سطح بین‌المللی نیز انتقال دادرسی کیفری را پذیرفت و از این نهاد کارآمد استفاده صحیح و مطلوب نمود؛ همان‌طور که در اتحادیه اروپا مورد استفاده قرار می‌گیرد. جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند با تعیین شرایط و جزئیات و حصول توافق و با رعایت مصلحت و توجه به موازین شرعی، انتقال دادرسی کیفری به سایر کشورها را در تمامی جرایم و یا حداقل در قلمرو جرایم تعزیری و اقدامات تأمینی و تربیتی مورد پذیرش قرار دهد. همچنین می‌توان در لایحه همکاری‌های قضایی بین‌المللی در امور کیفری، موضوع انتقال دادرسی کیفری را





مشروط به عمل متقابل به صورت قانون تصویب نمود و از این نهاد نوین حقوق کیفری جهت نائل شدن به عدالت کیفری و دادرسی منصفانه و پیشرفته نهایت استفاده را برد.

منابع

قرآن کریم

- ۱- آخوندی، محمود، ۱۳۸۱ش، آیین دادرسی کیفری (اندیشه‌ها)، ج ۴، چ ۲، قم، اشراق (دانشگاه قم).
- ۲- ارفع‌نیا، بهشید، ۱۳۸۸ش، حقوق بین‌الملل خصوصی، ج ۱، چ ۲، تهران، بهتاب.
- ۳- اسکندری، محمدحسین، ۱۳۷۹ش، قاعده مقابله به مثل در حقوق بین‌الملل از دید اسلام، چ ۱، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۴- آشوری، محمد، ۱۳۸۰ش، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، چ ۵، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ۵- اصغری، سیدشکراله، ۱۳۷۲ش، سیستم کیفری اسلام و پاسخ به شبهات، چ ۳، تهران، کیهان.
- ۶- امیرارجمند، اردشیر و همکاران، ۱۳۸۸ش، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، ج ۲، چ ۳، تهران، جنگل.
- ۷- پرادل، ژان؛ کورستنز، گرت، ۱۳۸۶ش، حقوق کیفری اروپایی، ترجمه محمد آشوری، ج ۱، چ ۱، تهران، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت).
- ۸- پوربافرانی، حسن، ۱۳۹۶ش، حقوق جزای بین‌الملل، چ ۱۰، تهران، جنگل.
- ۹- پوربافرانی، حسن و همکاران، ۱۳۹۳ش، انتقال محکومان به حبس در موافقت‌نامه‌های بین‌المللی با نگاهی به مبانی فقهی، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ش ۱.
- ۱۰- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۲ش، ترمینولوژی حقوق، چ ۱، تهران، گنج دانش.
- ۱۱- حر عاملی، محمدبن‌الحسن، ۱۴۰۳ق، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، چ ۵، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۱۲- حسینی، غیاث‌الدین، بی‌تا، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد البشر، ج ۱، بی‌چا، تهران، خیام.





- ۱۳- حسینی نژاد، حسینقلی، ۱۳۸۳ش، حقوق کیفری بین الملل اسلامی، چ ۳، تهران، میزان.
- ۱۴- خالقی، علی، ۱۳۸۳ش، انتقال محکومان، تحولی بزرگ در شناسایی اعتبار احکام کیفری خارجی در ایران، فصلنامه حقوق، ش ۶۴.
- ۱۵- خمینی، روح الله، ۱۳۹۲ش، تحریر الوسیله، چ ۴، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۱۶- خوبی، ابوالقاسم، بی تا، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، قم، موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- ۱۷- خوبی، ابوالقاسم، ۱۳۸۶ش، مبانی تکمله المنهاج، ج ۴۱، چ ۱، قم، موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- ۱۸- دانش، تاج زمان، ۱۳۷۶ش، حقوق زندانیان و علم زندان ها، چ ۳، تهران، دانشگاه تهران.
- ۱۹- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۳۷ش، لغت نامه ۵۰ جلدی، بی جا، تهران، سیروس.
- ۲۰- رمضان نوری، محمود، ۱۳۷۶ش، فرهنگ حقوقی مدین، چ ۳، قم، مدین.
- ۲۱- شریعت باقری، محمدجواد، ۱۳۹۳ش، تصویب موافقت نامه های همکاری های قضایی بین المللی مشکلات و راه حل ها، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، ش ۶۶.
- ۲۲- شهری، غلامرضا؛ ستوده جهرمی، سروش، ۱۳۷۷ش، نظریه های اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری، ج ۱، چ ۲، تهران، روزنامه رسمی کشور.
- ۲۳- طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۶ش، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چ ۹، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۴- طوسی، ابی جعفر محمدبن الحسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، چ ۳، بی جا، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۵- عمید، حسن، ۱۳۷۸ش، فرهنگ فارسی عمید، ۲ جلدی، چ ۱۵، تهران، امیرکبیر.
- ۲۶- قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴
- ۲۷- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۸/۵/۶
- ۲۸- قانون مجازات اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۲/۲/۱
- ۲۹- محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۳۹۳ش، حقوق بین الملل؛ رهیافتی اسلامی، چ ۱، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- ۳۰- معین، محمد، ۱۳۶۴ش، فرهنگ فارسی، چ ۷، تهران، امیرکبیر.





۳۱- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۸۲ش، تفسیر نمونه، ج ۴، چ ۲۷، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۳۲- میرمحمدصادقی، حسین، ۱۳۸۰ش، حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)، چ ۱، تهران، میزان.

۳۳- نجفی، محمدحسن، ۱۳۸۵، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۴۰، چ ۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۳۴- نصیری، مرتضی، ۱۳۷۰ش، حقوق چندملیتی، چ ۱، تهران، دانش امروز.

35- Additional Protocol to the Convention on the Transfer of Sentenced Persons. Strasbourg, (18 December 1997)

36- Convention implementing the Schengen Agreement (CISA). (19 June 1990)

37- Convention On The Transfer Of Sentenced Persons. Strasbourg, (21.III.1983)

38- European Convention on the Transfer of Proceedings in Criminal Matters. Strasbourg, (15.V.1972)

39- Library of the European Parliament (28/01/2013) EU rules on transfer of sentenced persons. Author: Francesca Ferraro.

40- Model Agreement on the Transfer of Foreign Prisoners and Recommendations on the Treatment of Foreign Prisoners. Adopted by the Seventh Crime Congress, Milan, (26 August-6 September 1985) and endorsed by the General Assembly in resolution 40/32



